

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: والننتین کاتاسانوف\* (Valentin Katasonov)

برگردان: ا. م. شیری

۰۶ دسمبر ۲۰۲۳

## سومین علامت مشخصه اقتصادی امپریالیسم و روند های جدید در قرن بیست و یکم



به گمانم اشتباه است هر گاه تصور شود که تنها شعارهای تند و تیز ضد امریکانی یا حتی رویارونی نظامی با امریکا نشانه مبارزه با امپریالیسم است. مبارزه ضد امپریالیستی، قبل از همه، باید ماهیت اقتصادی، یعنی جنبه ضد انحصارات و مقابله با سلطه دالر داشته باشد.

انگلی‌گرانی بیشتر امریکا به دلیل افزایش پر شتاب واردات سرمایه اکنون یک سوال بزرگ است.

بیش از یک قرن پیش، «امپریالیسم، به‌منابۀ بالاترین مرحله رشد سرمایه داری»، اثر ولادیمیر ایلیچ لنین انتشار یافت (این اثر در سال ۱۹۱۶ نوشته شد و اولین بار در سال ۱۹۱۷ منتشر گردید). بسیاری از مفاد آن امروزه موضوعیت خود را حفظ کرده است (و برخی از مفروضات «کلاسیک» بیان‌شده در این اثر، امروز به واقعیت تبدیل شده است). ادامه‌دهنده مارکس سعی کرد در این اثر جوهره تغییرات روی داده در عرض نیم قرن پس از انتشار «سرمایه» در جهان سرمایه‌داری را نشان دهد. این تغییرات در پنج مشخصه امپریالیسم تبلور یافته است (لنین مرحله جدید یا بالاتر سرمایه‌داری را چنین نامید). و این هم پنج وجه مشخه مذکور در کتاب لنین:

## ۱- تشکیل انحصارات در نتیجه تمرکز و تراکم تولید و سرمایه؛

- ادغام سرمایه انحصاری صنعتی و بانکی و تشکیل سرمایه مالی بر این اساس؛

- غلبه صدور سرمایه بر صدور کالا؛

- تشکیل اتحادیه‌ها و کنسرن‌های بین‌المللی انحصاری سرمایه‌داران و تقسیم اقتصادی جهان بین آن‌ها؛

- پایان تقسیم ارضی جهان بین بزرگترین و ثروتمندترین دولت‌های سرمایه‌داری.

اکنون می‌خواهم در مورد مشخصه سوم با جزئیات بیشتری صحبت کنم و به این سؤال پاسخ دهم که چقدر در قرن بیست و یکم فعلیت دارد. لنین در اثر مذکور خود نوشت: «در سرمایه‌داری قدیم، به دلیل تسلط کامل رقابت آزاد، صدور کالا معمول بود. در سرمایه‌داری مدرن، به سبب سلطه انحصارات، صدور سرمایه رایج شده است». برخی افزوده‌ها به ویژگی سوم در سایر آثار «کلاسیک» یافت می‌شود. فرمول زیر او بسیار معروف است: «... صدور سرمایه مجزور انگلی است» (و. ای. لنین. امپریالیسم و انشعاب سوسیالیسم - دسامبر ۱۹۱۶).

کتاب «امپریالیسم به‌مثابه بالاترین مرحله رشد سرمایه‌داری» در سال ۱۹۱۶ منتشر شد. دگرگونی‌های یک قرن اختصاص یافته به صدمین سالگرد انتشار اثر لنین، موضوع مورد بحث ما است. در آن، یک رمزگشایی از علامت مشخصه سوم در ارتباط با شرایط معاصر ارائه دادم و آن را تا حد امکان با آمار مرتبط همراه کردم.

علاوه بر همه، متوجه تفاوت زیر بین علامت مشخصه سوم در شرایط امروزی در مقایسه با آنچه یک قرن پیش بود، شدم. در آن زمان، همه کشورهای پیشرو سرمایه‌داری، اعم از امپریالیست‌های قدیمی (انگلیس، فرانسه، هالند، بلجیم) و جوان (امریکا، آلمان، جاپان)، حمایت‌گرایی سرمایه‌گذاری نسبتاً سختی را انجام دادند (محدود کردن دسترسی کشورهای رقیب به سرمایه). سرمایه به سمت مستعمرات و نیمه مستعمرات و همچنین، به کشورهای رسماً مستقل، اما از نظر اقتصادی ضعیف‌تر هدایت شد (از جمله آن‌ها روسیه). از این مستفاد می‌شود که همه کشورهای پیشرو امپریالیستی صادرکنندگان خالص سرمایه بودند (مازاد قابل توجه صادرات سرمایه بر واردات آن). مستعمرات، نیمه‌مستعمرات و کشورهای از نظر اقتصادی ضعیف، واردکننده خالص سرمایه بودند. سرمایه در آن‌ها، سود (سود سهام و بهره) ایجاد کرد که به کشورهای مبدأ سرمایه (که در آن‌ها «انگل» صادرات سرمایه آشکار شد) بازگردانده شد.

اما در قرن بیست و یکم، در گروه کشورهای سرمایه‌داری پیشرو این تصویر کمتر روشن شده است. پس از جنگ جهانی دوم، تغییر جهت جریان سرمایه از کشورهای وابسته و ضعیف به کشورهای توسعه‌یافته اقتصادی آغاز گشت. روند افزایش وابستگی متقابل کشورهای غربی از طریق تبادل سرمایه‌گذاری شروع شد. به این ترتیب، کشورهای پیشرو غربی به دو گروه: کشورهای صادرکننده خالص سرمایه و همچنین، کشورهای واردکننده خالص سرمایه تقسیم شدند.

با استفاده از تراز پرداخت‌ها می‌توان ارزیابی کرد که چه کشوری صادرکننده یا واردکننده سرمایه خالص است (هر کشور چنین سندی را به صورت سالانه، سه ماهه و حتی ماهانه تنظیم می‌کند). اما ارقام مربوط به صادرات و واردات سرمایه می‌تواند سال به سال بسیار متفاوت باشد. ممکن است یک کشور یک سال صادرکننده خالص سرمایه و سال بعد واردکننده آن باشد و بالعکس. برای ارزیابی وضعیت یک کشور (واردکننده یا صادرکننده خالص سرمایه)، بهتر است به جای استفاده تراز پرداخت‌ها، از یک سند آماری به نام «موقعیت سرمایه‌گذاری بین‌المللی» استفاده شود.

سند مذکور دارائی‌هایی را منعکس می‌کند که در نتیجه صادرات و واردات بلندمدت سرمایه به اشکالی مانند سرمایه‌گذاری‌های مستقیم (آن‌هایی که کنترل سرمایه‌گذار را بر هدف سرمایه‌گذاری فراهم می‌کنند)، سرمایه‌گذاری‌های

سبیدی (یعنی آن‌هائی که فقط موجب کسب سود می‌شوند) شکل می‌گیرد. سایر سرمایه‌گذاری‌ها (این‌ها عمدتاً وام‌ها و قرض‌هائی هستند که درآمد را به صورت بهره تأمین می‌کنند).

اگر سرمایه‌گذاری انباشته حاصل از صادرات سرمایه بیش از سرمایه‌گذاری انباشته از واردات سرمایه باشد، کشور دارای یک موقعیت سرمایه‌گذاری بین‌المللی با علامت مثبت است.

اطلاعات مربوط به موقعیت خالص سرمایه‌گذاری بین‌المللی اکثر کشورهای جهان در پایگاه داده‌های صندوق بین‌المللی پول در دسترس است. در اینجا شاخص موقعیت سرمایه‌گذاری بین‌المللی ده کشور را که بیشترین حجم سرمایه‌گذاری انباشته در خارج از کشور دارند، یادآوری می‌کنم. این‌ها عبارتند از آمریکا، انگلستان، آلمان، هلند، فرانسه، جاپان، چین، کانادا، ایرلند، سوئیس.

اما، فقط شش کشور از ده کشور فوق‌الذکر، دارای ارزش مثبت بوده‌اند، یعنی می‌توان آنها را صادرکننده خالص سرمایه دانست. و چهار کشور ارزش منفی داشتند؛ آن‌ها واردکننده خالص سرمایه بودند.

جاپان، آلمان و چین جزو صادرکنندگان خالص سرمایه هستند. مجموع خالص سرمایه‌گذاری بین‌المللی آن‌ها تا اواسط سال جاری به ۹۰۴ تریلیون دلار رسید.

در میان واردکنندگان خالص سرمایه، ایالات متحده آمریکا با موقعیت سرمایه‌گذاری بین‌المللی خود به ارزش ۱۸ تریلیون دلار در صدر قرار دارد. آری، آمریکا صادرکننده اصلی سرمایه در جهان بوده و هست. به عنوان مثال، صادرات سرمایه از آمریکا در سال گذشته به تنهایی در قالب سرمایه‌گذاری مستقیم بالغ بر ۴۲۶.۲۵ میلیارد دلار بوده است. جاپان با ۱۷۵.۴۰ میلیارد دلار در جایگاه دوم و انگلستان ۱۵۸.۹۳ در رتبه سوم قرار گرفت.

اما از نظر مقیاس واردات سرمایه، آمریکا حتی بیشتر از بقیه دنیا جلوتر بوده و هست. علاوه بر این، «سرمایه‌گذاری‌های دیگر» در واردات سرمایه توسط ایالات متحده آمریکا غالب است و این، عمدتاً از وام و اعتبار ناشی می‌شود. از مجموع سرمایه‌گذاری خارجی انباشته در اقتصاد آمریکا (۵۱.۵۸ تریلیون دلار)، تنها ۲۷ درصد (۱۴ تریلیون دلار) سرمایه‌گذاری مستقیم بوده است.

فرانسه، انگلستان و ایرلند واردکنندگان خالص سرمایه بودند، اما در مجموع موقعیت خالص سرمایه‌گذاری بین‌المللی آن‌ها به ارزش نسبتاً متوسط (در مقایسه با آمریکا) برابر با منفی ۲.۲۲ تریلیون دلار بود. مازاد دارائی‌های انباشته شده در نتیجه واردات سرمایه نسبت به دارائی‌های انباشته شده در نتیجه صادرات سرمایه به خارج از کشور در فرانسه ۸.۶٪، در انگلستان ۴.۲٪ و در ایرلند ۷.۱٪ بود. اما این مازاد در ایالات متحده آمریکا برابر با ۵۳.۶٪ بوده است. به بیان ساده، میزان سرمایه وارد شده به آمریکا بیش از یک و نیم برابر بیشتر از میزان سرمایه صادر شده بوده است.

لازم به ذکر است که نرخ واردات سرمایه توسط آمریکا طی سالیان متمادی بسیار بالاتر از نرخ صادرات بوده است، بنابراین، شکاف بین مقادیر دارائی‌های انباشته شده در نتیجه واردات سرمایه از خارج و دارائی‌های انباشته شده در نتیجه صادرات سرمایه به خارج از کشور در حال افزایش است. در دوره پایان سال ۲۰۱۹ تا اواسط سال ۲۰۲۳، ارزش دارائی‌های انباشته شده در نتیجه صادرات سرمایه به خارج از کشور ایالات متحده آمریکا ۴.۷۳ تریلیون دلار یا ۱۶.۴ درصد افزایش یافته است. و ارزش دارائی‌های انباشته شده در نتیجه واردات سرمایه از خارج در مدت مشابه، ۱۱.۰۷ تریلیون دلار یا ۲۷.۳ درصد افزایش یافت.

در ضمن، بانک سوئیسی UBS گزارش سالانه بعدی خود را در کتاب اطلاعات ثروت جهانی ۲۰۲۳ که حاوی تخمین ثروت ملی کشورهای جهان است، اخیراً منتشر کرده است. کارشناسان سوئیسی دارائی ملی آمریکا را ۱۳۹.۹ تریلیون دلار برآورد کرده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که تا به امروز تقریباً ۳۷ درصد از ثروت ملی این کشور را سرمایه‌گذاری

خارجی انباشته شده در اقتصاد تشکیل می‌دهد. این نیز با هر معیاری، میزان وابستگی کشور به سرمایه خارجی را نشان می‌دهد. و این فقط یک کشور ساده نیست، بلکه، همانطور که در واشینگتن معتقدند، یک ابرقدرت است. بیش از صد سال پیش، لنین در مورد صادرات سرمایه به عنوان مجذور انگلی نوشت. با در نظر گرفتن این که صادرات سرمایه از یک طرف به اقتصاد کشور مبدا سرمایه لطمه می‌زند. از سوی دیگر، چنین سرمایه‌ای با استثمار نیروی کار ارزان و تقریباً رایگان بومیان، صادرات منابع طبیعی (رایگان از مستعمرات و نیمه‌مستعمرات) و سایر محصولات به کشور متروپل و کسب سودهای کلان، تمام شیره جان کشوری را که سرمایه به آن وارد شده، می‌مکد. امروز ما با پدیده جدیدی روبه رو هستیم. معلوم می‌شود که واردات سرمایه می‌تواند نه کمتر، بلکه حتی بیشتر انگلی باشد. «کلاسیک» نمی‌توانست چنین گزینه‌ای را تصور کند.

با این حال، امروزه تعداد بسیار کمی از کشورهای غربی از حق داشتن چنین انگلی برخوردارند. اکثر آن‌ها «انگل‌های» کوچکی هستند که تضمین زندگی راحت خودشان از طریق سرمایه‌گذاری خارجی به شدت دشوار است. فقط ایالات متحده آمریکا در جایگاه یک انگل غول پیکر و در حال رشد باقی مانده است. و آن یک «انتشاراتی» (ساختار فدرال رزرو) را که یک مرکز تولید دالر به مثابه ارز بین‌الملل است، اداره می‌کند. وجود «چاپخانه» به یک معنا تضمین آن است که آمریکا بتواند تعهدات خود را به طلبکاران و وام‌دهندگان خارجی بازپرداخت نماید. به همین دلیل، بالاترین رتبه‌های سرمایه‌گذاری و اعتباری را از سه آژانس رتبه‌بندی بزرگ دریافت می‌کند و سرمایه‌گذاران مانند پروانه‌ها به سمت نور خیره‌کننده دالر آمریکا و رتبه‌بندی آژانس‌های رتبه‌بندی پرواز می‌کنند. این در حالی است که بر اساس گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا، بدهی خارجی این کشور تا اگست سال جاری به ۳۲.۹ تریلیون دالر رسید. در چارچوب بحث ما، مبلغ مورد ذکر چیزی جز واردات سرمایه و در قالب «سایر سرمایه‌گذاری‌ها» (وام و اعتبار) نیست. این تقریباً ۶۴ درصد از کل سرمایه‌گذاری خارجی انباشته شده در اقتصاد آمریکا را تا اواسط سال تشکیل می‌داد. سرمایه‌گذاری مستقیم در کل حجم دارایی‌های انباشته شده در نتیجه واردات سرمایه از خارج در آمریکا ۱۴ تریلیون دالر (۲۷٪) و بقیه (حدود ۹٪) سرمایه‌گذاری سببی بود.

واضح است که تداوم وجود انگلی آمریکا به دلیل افزایش پیر شتاب واردات سرمایه اکنون زیر سؤال رفته است. علائم و نشانه‌های پایان انگلی طولانی آمریکا کاملاً مشهود است. یکی از این زنگ‌ها در اگست امسال، زمانی که آژانس فیچ (Fitch agency) به یک اقدام بی‌سابقه دست زد، به صدا درآمد. رتبه اعتباری آمریکا را از «AAA به AA+» کاهش داد. و در ماه نومبر، زنگ دیگر، زمانی که آژانس فیچ به خدمات سرمایه‌گذاران «مودیز» چشم‌انداز رتبه اعتباری آمریکا را از ثبات به منفی، به سمت بدتر کرد. ایالات متحده آمریکا در حال حاضر با استفاده از ابزار عالمگیر برای حمایت از اقتصاد خود مانند واردات سرمایه در قالب «سرمایه‌گذاری‌های دیگر» مشکل دارد.

منتشره در: وبگاه بنیاد فرهنگساز آتی‌ژیک

۱۴ آذر - قوس ۱۴۰۲

\* - پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی «شاراپوف» فدراسیون روسیه، پژوهشگر مسائل پشت صحنه